

فضایل و مسایل قربانی

مؤلف: متکلم اسلام مولانا محمد الیاس گھمن خطائے

مترجم: مولانا محمد روشندل و رکاتی خطائے

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهمیت قربانی:

قربانی عبادتی عظیم الشان است، از زمان حضرت آدم علیه السلام آغاز و تا امت محمدی علی صاحبها السلام همواره مشروع، و هر مذهب و ملتی بر آن عمل پیرا بوده است [چنان که] در جایی از قرآن کریم ارشاد است:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةٍ ۗ إِنَّنَا كَنعَمَٰلٌ فَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ ۗ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْتَبِرِينَ﴾ [الحج: ۳۴]

ترجمه: ما برای هر امت قربانی مقرر نمودیم تا بر حیوانات مخصوصی که خداوند به آنها عطا نموده اسم خدا را ببرند.

گرچه عمل قربانی در همه ی امت ها جاری بوده ولی در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام اهمیت ویژه ای به خود گرفت، از این رو «سنت ابراهیمی» نامیده شده است؛ زیرا حضرت ابراهیم علیه السلام برای خشنودی خداوند متعال فرزند خویش حضرت اسماعیل علیه السلام را به طور قربانی تقدیم نمود که جهت یاد بود این عمل [خداپسندانه ی حضرت ابراهیم علیه السلام] همه ساله مسلمانان قربانی می نمایند. از همین قربانی یک مسلمان اطاعت شعار درس می گیرد که او باید در راه

اطاعت و فرمانبرداری پروردگار متعال برای هرگونه قربانی آماده باشد، محبت مال و متاع دنیا را رها و محبت خداوند را در دل پدید آورد. و همچنین به وقت قربانی این سخن را ملحوظ بدارد که در عبادات دیگر نیز مانند قربانی فقط رضای الهی مد نظر و مقصود او باشد، حتی نباید شائبه عبادت غیر الله در دل پدید آید. گویا زندگی مسلمان تفسیر عملی این آیه قرار گیرد:

﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (الأنعام: ۱۶۲)

ترجمه: همانا نماز، قربانی، زندگی و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است.

اهمیت قربانی از این سخن نیز واضح می شود که نبی اکرم ﷺ بر آن مداومت فرمودند، حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: «أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْمَدِينَةِ عَشْرَ سِنِينَ يُضَحِّيَ».

(جامع الترمذی: ۴۰۹/۱، ابواب الأضاحی)

ترجمه: رسول خدا ﷺ ده سال در مدینه اقامت گزیدند (و در این اثنا) قربانی می نمود.

فضایل قربانی:

در احادیث متعددی فضیلت قربانی وارد شده که چندتا از آنها به قرار زیر است:

۱- عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ، قَالَ: قَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ - ﷺ -: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هَذِهِ الْأَضَاحِيُّ؟ قَالَ: "سُنَّةُ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ" قَالُوا: فَمَا لَنَا فِيهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: "بِكُلِّ شَعْرَةٍ حَسَنَةً" قَالُوا: فَالْصُّوفُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: "بِكُلِّ شَعْرَةٍ مِنَ الصُّوفِ حَسَنَةً".

(سنن ابن ماجه، ص ۲۲۶، باب ثواب الأضحية)

ترجمه: از زید بن ارقم رضی الله عنه نه روایت است که اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدند: ای رسول خدا! این قربانی ها چیست؟ (یعنی؛ قربانی چه حیثیتی دارد؟) آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: (سنت پدرتان ابراهیم علیه السلام است. صحابه عرض نمودند: در قربانی برای ما چه [پاداشی] هست؟ فرمودند: «در عوض هر تار مو یک نیکی، باز عرض نمودند: پس پشم چی؟ فرمودند: در عوض هر تار از پشم [نیز] یک نیکی است.

۲- عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «مَا عَمِلَ آدَمِيُّ مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ النَّحْرِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ إِهْرَاقِ الدَّمِ، إِنَّهُ لَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقُرُونِهَا وَأَشْعَارِهَا

وَأَظْلَافِهَا، وَأَنَّ الدَّمَ لَيَقَعُ مِنَ اللَّهِ بِمَكَانٍ قَبْلَ أَنْ يَقَعَ مِنَ الْأَرْضِ، فَطَبِّئُوا بِهَا نَفْسًا».

(جامع الترمذی: ۱/۲۷۵ باب ما جاء في فضل الأضحية)

ترجمه: از عائشه رضی الله عنها روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «انسان در روز نحر (قربانی) هیچ عملی محبوب تر نزد خدا از ریختن خون انجام نداده است، قربانی روز قیامت با شاخ ها، موی ها و سُم هایش می آید و خون قربانی قبل از وقوع بر زمین ، پیش خداوند شرف قبولی می یابد، لذا با خوشی قربانی کنید.

۳_ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ , قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «مَا أَنْفَقَتِ الْوَرَقُ فِي شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ نَحِيرَةِ فِي يَوْمِ عِيدٍ».

(سنن الدار قطنی ص ۷۷۴ باب الذبائح، السنن الکبری للبيهقي ۹/۲۶۱)

ترجمه: ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: در هیچ محلی درهمی بهتر از [درهم] قربانی در روز عید انفاق نشده است.

مسایل قربانی

(۱) قربانی واجب است:

قربانی بر هر صاحب نصاب واجب است. دلایل زیادی از قرآن و سنت، در این مورد وجود دارد:

۱- ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ﴾ [الکوثر: ۲]

ترجمه: پس برای (خشنودی) پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.

مفسر مشهور قاضی ثناء الله پائی پتی رحمته الله ما تحت این آیه می نویسد:

قال عكرمة وعطاء وقتادة: فَصَلِّ لِرَبِّكَ صَلَاةَ الْعِيدِ يَوْمَ التَّحْرِ وَأَنْحَرْ نُسُكًا فَعَلَى هَذَا يَثْبُتُ بِهِ وُجُوبُ صَلَاةِ الْعِيدِ وَالْأَضْحِيَّةِ.
(التفسير المظهری: ۱۰/۳۵۳)

ترجمه: حضرت عکرمه، حضرت عطاء و حضرت قتاده رحمته الله می گویند: مراد از «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» نماز عید و مراد از «وَأَنْحَرْ» قربانی است. از این معلوم شد نماز عید و قربانی [هر دو] واجب هستند.

علامه ابوبکر جصاص رحمته الله در تفسیر «احکام القرآن» خویش می فرماید:

قال الحسن: صلوة يوم التَّحْرِ وَ نَحْرُ الْبَدَنِ... قَالَ ابوبكرٍ : هذا التأويل يَتَضَمَّنُ مَعَيَيْنِ؛ أَحَدُهُمَا إِيْجَابُ صَلَاةِ الْأُضْحَى وَالثَّانِي وَجُوبِ الْأُضْحِيَّةِ.

(احكام القرآن للجصاص: ۳/۱۹۴ تحت سورة الكوثر)

ترجمه: حضرت حسن بصری رضی الله عنه می فرماید: مراد از نمازی که در آیه ی « فَصَلِّ لِرَبِّكَ » مذکور است، نماز عید و از « وَأَنْحَر » قربانی مراد است. ابوبکر جصاص رضی الله عنه می فرماید: از این مطلب دو چیز ثابت می شود:

۱- نماز عید واجب است.

۲- قربانی واجب است.

(۲)- از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - ﷺ - قَالَ: "مَنْ كَانَ لَهُ سَعَةٌ، وَلَمْ يُضَحِّ، فَلَا يَقْرَبَنَّ مُصَلَّاتَنَا".

(سنن ابن ماجه ص ۲۲۶ كتاب الأضاحى هى واجبة أم لا، مسند احمد: ۲/۳۲۱، حدیث شماره ۸۲۵۴، السنن الكبرى: ۹/۲۶۰ كتاب الضحایا، كنز العمال: حدیث شماره: ۱۲۲۶۱)

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که با وجود توانایی مالی قربانی نکند به مصلاهی ما نزدیک نشود.

آنحضرت ﷺ بر ترک قربانی با وجود وسعت مالی، وعید شدید بیان فرمودند، و وعید بر ترک واجب می آید لذا معلوم شد که قربانی واجب است.

(۳) - از حضرت مخنف بن سلیم رضی الله عنه روایت است:

كُنَّا وَثُوقًا عِنْدَ النَّبِيِّ - ﷺ - بِعَرَفَةَ، فَقَالَ: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ عَلَى كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ فِي كُلِّ عَامٍ أُضْحِيَّةً (۱) وَعَتِيرَةً".

(سنن ابن ماجه ص ۲۲۶ باب الأضاحی هی واجبة أم لا، سنن نسائی ۱۸۸/۲ کتاب الفرع والعتیره)

ترجمه: ما در مقام عرفه با رسول خدا ﷺ توقف نموده بودیم که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: ای مردم! بر هر خانواده هر سال قربانی و عتیره واجب است.

در این حدیث، حکم به دو نوع قربانی معلوم می شود: یکی قربانی عید الأضحی و دیگری عتیره.

فایده: «عتیره» یک قربانی زمان جاهلیت است که در ماه رجب برای بتان انجام می گرفت، و بعد از اسلام برای خدا انجام داده می شد ولی بعداً منسوخ گردید. چنان که از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْفِرْعِ وَالْعَتِيرَةِ».

(سنن نسائی: ۱۸۸/۲، کتاب الفرع والعتیره)

ترجمه: رسول الله ﷺ از فرع و عتیره منع فرمودند.

فایده: «فرع» اولین شترپچه ای را گویند که به نام بت ها قربانی می شد، در ابتدای اسلام برای اسلام قرار گرفت ولی بعداً منسوخ گردید. (زهرا لیلی علی النسائی للسیوطی: ۱۸۸/۲)

(۴) — از حضرت جنذب بن سفیان بجلی رضی الله عنه روایت است که فرمودند:

قَالَ: شَهِدْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَوْمَ النَّحْرِ، فَقَالَ: «مَنْ ذَبَحَ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ فَلْيُعِدْ مَكَانَهَا أُخْرَى، وَمَنْ لَمْ يَذْبَحْ فَلْيُذْبَحْ» .

(صحيح البخارى: ۲ / ۸۴۳، باب من ذبح قبل الصلوة أعداد)

ترجمه: من در روز عید الاضحی به خدمت رسول خدا ﷺ حضور یافتم، ایشان فرمودند: «کسی که قبل از نماز (عید) قربانی کند، باید به جای آن قربانی دیگری ذبح نماید، و کسی که (قبل از نماز عید) ذبح نکرده (پس از نماز عید) ذبح کند.

در این حدیث آنحضرت ﷺ حکم به اعاده ی قربانی ای نمودند که قبل از نماز ذبح شده است و این دلیل واجب بودن قربانی است.

بعضی از مردم قربانی را صرفاً «سنت» می دانند، نه واجب و برای اثبات آن به دلایل زیر تمسک می نمایند:

۱- آنحضرت ﷺ ضمن تذکره ی اعمال روز عید فرمودند:

«إِنَّ أَوَّلَ مَا نَبْدَأُ بِهِ فِي يَوْمِنَا هَذَا أَنْ نُصَلِّيَ، ثُمَّ نَرْجِعَ فَنَنْحَرَ، مَنْ فَعَلَهُ فَقَدْ أَصَابَ سُنَّتَنَا، وَمَنْ ذَبَحَ قَبْلُ، فَإِنَّمَا هُوَ لِحْمٍ قَدَّمَهُ لِأَهْلِهِ، لَيْسَ مِنْ

التُّسُكِ فِي شَيْءٍ»... «مَنْ ذَبَحَ بَعْدَ الصَّلَاةِ تَمَّ نُسُكُهُ، وَأَصَابَ سُنَّةَ الْمُسْلِمِينَ».

(صحیح البخاری: ۸۳۲/۲)

ترجمه: نخستین عملی که در این روز انجام می دهیم نماز (عید) است، سپس هنگام بازگشت از نماز قربانی می کنیم، هر که چنین کند (یعنی؛ بعد از نماز قربانی نماید) او بر روش ما عمل نموده و کسی که قبل از نماز قربانی نماید، گوشتی است که به خانواده ی خود تقدیم نموده است... کسی که بعد از نماز (عید) ذبح نماید قربانی اش کامل گشته و بر روش مسلمانان رفته است.

۲- وَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: هِيَ سُنَّةٌ وَمَعْرُوفٌ.

(صحیح البخاری: ۸۳۲/۲)

ترجمه: قربانی سنت است و آن چیز معروفی است.

ایشان می گویند: در این روایت رسول خدا ﷺ «أَصَابَ سُنَّتَنَا» فرمودند و در جای دیگر ابن عمر رضی الله عنهما «هِيَ سُنَّةٌ وَمَعْرُوفٌ» گفتند، معلوم می شود قربانی کردن «سنت» است.

عرض این است که مراد از «سنت» در این محل سنت نیست، بلکه مراد از آن «طریقه» است، یعنی؛ کسی که نخست نماز عید و بعد قربانی نمود او مطابق روش مسلمانان عمل نموده است. حافظ

ابن حجر عسقلانی رحمته الله می نویسد:

وَالْمُرَادُ بِالسُّنَّةِ هُنَا فِي الْحَدِيثَيْنِ مَعَ الطَّرِيقَةِ لَا السُّنَّةَ بِالْإِصْطِلَاحِ الَّتِي تُقَابِلُ الْوَجُوبَ.

(فتح الباری: ۳/۱۰)

ترجمه: در اینجا در هر دو حدیث، مراد از «سنت» طریقه می باشد نه سنت اصطلاحی که در مقابل وجوب است.

لذا «أَصَابَ سُنَّتَنَا» گفتن آنحضرت ﷺ و قول ابن عمر رضی الله عنهما که «هِيَ سُنَّةٌ وَمَعْرُوفٌ» منافی با واجب بودن قربانی نیست.

۲- قربانی بر چه کسی واجب است؟

هر مرد و زنی که در ایام قربانی دارای اوصاف (و شرایط) زیر باشد، قربانی بر او واجب خواهد بود:

۱- مسلمان باشد.

دلیل:

لِأَنَّهَا قُرْبَانَةٌ وَالْكَافِرُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِ الْقُرْبَانَةِ. (بدائع الصنائع: ۴/۱۹۵)

ترجمه: زیرا قربانی قربت و عبادت است و کافر اهل قربت و عبادت نیست.

۲- آزاد باشد.

دلیل:

لِأَنَّ الْعَبْدَ لَا يَمْلِكُ. (البحر الرائق: ۲/۲۷۱)

ترجمه: زیرا غلام مالک هیچ چیزی نیست.

۳- مالک نصاب باشد.

دلیل: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - ﷺ - قَالَ: "مَنْ كَانَ لَهُ سَعَةٌ، وَلَمْ يُصَحِّحْ، فَلَا يَقْرَبَنَّ مُصَلَّاتَنَا".

(سنن ابن ماجه ص ۲۲۶ كتاب الأضاحى هى واجبة أم لا).

ترجمه: رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که با وجود توانایی مالی قربانی نکند به مصلاى ما نزدیک نشود.

از این حدیث معلوم شد برای قربانی صاحب وسعت بودن که به «صاحب نصاب» تعبیر کرده می شود، ضروری است.

۴- مقیم باشد، بر مسافر قربانی واجب نیست.

دلیل:

عن علي رضي الله عنه قال: ليس على المسافر أضحية.

(المحلى بالآثار لابن حزم: ۳۷/۶، مسأله شماره ۹۷۹)

ترجمه: حضرت علی رضی الله عنه فرمودند: بر مسافر قربانی واجب نیست.

۳- نصاب قربانی:

نصاب وجوب قربانی همان نصاب وجوب صدقة الفطر است.

(الفتاوى الهندية: ۳۶۰/۵، كتاب الأضحية)

پس هر مرد و زنی که در ملک او هفت ونیم توله طلا، یا پنجاه دودونیم توله نقره یا [معادل آن] پول نقد یا مال تجارت، و یا کالای دیگری زاید از نیاز و ضروریات [زندگی] که قیمت

آن، یا قیمت مجموعی این پنج چیز، به پنجاه و دو توله ونیم نقره برسد، بر او قربانی واجب خواهد بود^۱.

(الجوهرة النيرة: ۱/۱۶۰، باب من يجوز دفع الصدقة اليه ومن لا يجوز)

به یاد داشته باشید اشیائی که مورد نیاز و ضرورت نیستند بلکه صرفاً برای نمایش در خانه ها گذاشته شده و تمام سال استعمال نمی شوند، در نصاب شامل می باشند.

(بدائع الصنائع: ۲/۱۵۸-۱۵۹، رد المختار: ۳/۳۴۶، باب مصرف

الزکوة والعشر)

۴- حیوان قربانی:

حیواناتی که به طور قربانی ذبح کرده می شوند عبارتند از: میش، گوسفند، گاو، گاومیش و شتر (نر و ماده).

دلیل:

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ الذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمَ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبِيُّنِي بَعْلَمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ ، ﴿وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ الذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمَ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَم كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا

۱ - توله : وزنی است که در هند و پاکستان مروج است، امروزه اگر بر اساس گرم محاسبه شود کما اینکه بعضی از حضرات محاسبه نموده اند برای عوام الناس آسان تر خواهد بود، لذا هفت ونیم توله طلا ۷۸/۴۷۹ گرم و پنجاه دو توله ونیم نقره ۶۱۲/۳۵ گرم می باشد. (احسن الفتاوی: ۷/۵۰۸) مترجم.

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٤﴾ [الأنعام: ١٤٣-١٤٤]

ترجمه: [خداوند] هشت جفت [از حیوانات آفرید] از گوسفند دو تا، و از بز دو تا، بگو: آیا [خدا] نرها [ی آنها] را حرام کرده یا ماده را؟ یا آنچه را رحم آن دو ماده در بر گرفته است؟ از روی علم، به من خبر دهید اگر راست می گویند. و از شتر دو، و از گاو دو [جفت آفرید]، بگو: آیا [خدا] نرها [ی آنها] را حرام کرده یا ماده را؟ یا آنچه را رحم آن دو ماده در بر گرفته است؟ آیا هنگامی که خداوند شما را به این تحریم ها سفارش می کرد، حاضر بودید؟ پس کیست ستم کارتر از آنکه بر خدا دروغ بندد، تا از روی نادانی مردم را گمراه کند؟ آری خداوند گروه ستم کاران را راهنمایی نمی کند.

هشت جانور عبارتند از: دو بز، دو گوسفند، دو شتر، و دو گاو.

فایده:

گاو میش نیز در حیوانات قربانی داخل است؛ زیرا آن نوع از انواع گاو است، لذا قربانی گاو میش نیز بنابر دلایل زیر جایز است:

(۱) — اجماع امت: وَ اجْمَعُوا عَلَىٰ أَنَّ حَكَمَ الْجَوَامِيسِ حَكَمُ

البقر.

(کتاب الإجماع لابن المنذر: ص ۳۷)

ترجمه: ائمه اتفاق نموده اند که گاومیش در حکم گاو

است.

(۱) - **لغت:** الجاموسُ ضربٌ من كِبَارِ البقرِ.

(المنجد: ص ۱۰۱)

ترجمه: گاومیش نوعی از گاوها بزرگ است.

(۳) - حضرت حسن بصری رحمته الله فرمودند:

الجاموسُ بِمَنْزِلَةِ البقرِ.

(مصنف ابن ابی شیبیه: ۷ / ۶۵، حدیث شماره ۱۰۸۴۸)

ترجمه: گاومیش به منزله ی گاو است.

(۴) - امام مالک بن انس مدنی رحمته الله می فرماید: **إِنَّمَا هِيَ بَقْرَةٌ**

كُلَّهَا.

(مؤطا امام مالک: ص ۲۹۴، باب ما جاء في صدقة البقر)

ترجمه: همانا گاو میش کلاً همان گاو است. (یعنی؛

در حکم گاو است)

در جای دیگر می فرماید: **الجواميس والبقرُ سواءٌ.**

(کتاب الأموال لابن عیید: ۲ / ۳۸۵، شماره: ۵۱۲)

ترجمه: گاو میش و گاو برابر اند (یعنی؛ از یک نوع هستند).

(۵) - امام سفیان ثوری رحمته الله می فرماید: **تُحَسَّبُ الْجَوَامِيسُ مَعَ**

البَقَرِ.

(مصنّف عبدالرزاق: ۲۳/۴، شماره حدیث: ۶۸۸۱)

ترجمه: گاو میش با گاو محاسبه می شود.

فایده:

خوردن هفت عضو از اعضای حیوانات حلال گوشت مکروه است.

دلیل:

عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكْرَهُ مِنَ الشَّاةِ سَبْعًا: الدَّمَّ، وَالْحَيَا، وَالْأَنْثَيْنِ، وَالْغُدَّةَ، وَالذَّكْرَ، وَالْمَثَانَةَ، وَالْمَرَارَةَ .

(مصنّف عبدالرزاق: ۴/۴۰۹، السنن الكبرى للبيهقي: ۷/۱۰، باب

ما يكره من الشاة)

ترجمه: امام مجاهد رحمته الله می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله خوردن هفت عضو از گوسفند رانمی پسندید: خون، شرمگاه جانور ماده، خصیتین [خایه ها]، غده ها، آلت تناسلی حیوان نر، مثانه، و زهره و ظرف صفرا.

(۵) - سن جانور:

در میان جانوران قربانی یک ساله بودن بز و گوسفند، دو ساله بودن گاو و گاو میش، و پنج ساله بودن شتر ضروری است، البته (نر و ماده) بز، اگر یک ساله نظر آید [ولو این که کمتر از یک سال داشته باشد] قربانی اش جایز است.

دلیل:

عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا تَذْبَحُوا إِلَّا مُسِنَّةً، إِلَّا أَنْ يَعْسَرَ عَلَيْكُمْ، فَتَذْبَحُوا جَدْعَةً مِنَ الضَّأْنِ».

(صحیح مسلم: ۱۵۵/۲، باب سن الأضحیة)

ترجمه: حضرت جابر بن عبد الله رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت

نموده که ایشان فرمودند: بجز حیوان سن رسیده را [به طور قربانی] ذبح نکنید، آری اگر چنین جانوری میسر نشود، بز شش ماهه را که در نظر یک ساله باشد ذبح کنید.

در این حدیث دو سخن قابل تأمل است:

اولاً؛ در این روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله برای جانور قربانی لفظ «

مُسِنَّةً» را به کار بردند. به قول امام ترمذی رحمته الله علیه فقهاء کرام به معانی و مطالب احادیث آگاه تر هستند.

(جامع الترمذی: ۱/۱۹۳، باب غسل المیت)

چنانچه جمهور فقهاء مراد از «مسننة» را «الثَّيْبِي» بیان نموده اند

یعنی؛ جانوری که در آن عمر ملحوظ باشد، چنانکه بز و گوسفند یک ساله، گاو دو ساله، و شتر پنج ساله باشد.

چند تصریح [از فقهاء رحمته الله علیه] ملاحظه شود:

(۱) — محدث و فقیه مشهور علامه ابوالحسین قدوری رحمته الله علیه می

فرماید:

إِنَّ الْفُقَهَاءَ قَالُوا: ... وَالثَّنْبِيَّ [مِنْ الْعَنَمِ ابْنِ سَنَةَ] وَالثَّنْبِيَّ مِنْهُ [مِنَ الْبَقْرِ]
ابن سَنَيْنِ وَالثَّنْبِيَّ [مِنَ الْإِبِلِ] ابن خمسٍ.

(الفتاوى علمگیریه: ۳۶۷/۵)

ترجمه: فقهاء کرام رضی اللہ عنہم می فرمایند: بز و گوسفند باید یک ساله، گاو دو ساله، و شتر پنج ساله باشد.

(۲) - محدث و فقیه علامه زین الدین ابن نجیم رحمۃ اللہ علیہ می فرماید:

وَالثَّنْبِيَّ مِنَ الضَّأْنِ وَالْمَعَزِ ابْنُ سَنَةٍ وَمِنَ الْبَقْرِ ابْنُ سَتَيْنِ وَمِنَ الْإِبِلِ ابْنُ
خَمْسٍ سَنِينَ.

(البحر الرائق: ۲۰۱/۸، کتاب الأضحیة)

ترجمه: «ثنی» بز و گوسفند یک ساله، گاو دو ساله، و شتر پنج ساله می باشد.

و همین تعریف در کتب ذیل آمده است:

۱- بذل المجهود شرح سنن ابی داود: ۷۱/۴

۲- تکمله فتح الملهم شرح صحیح مسلم: ۵۵۸/۳

ثانیاً؛ در صورت میسر نشدن «مُسِنَّة» حکم به ذبح «جَذَعَةٌ مِنَ الضَّأْنِ» که مراد از آن بز شش ماهه است، داده شده که مانند یک ساله ها نظر آید. چنان که علامه ابن نجیم رحمۃ اللہ علیہ می فرماید:

وَقَالُوا هَذَا إِذَا كَانَ الْجَذَعُ عَظِيماً بَحِيثٌ لَوْ خَلَطَ بِالثَّنْبِيَّاتِ يَشْتَبَهُ عَلَى
التَّاطِرِينَ، وَالْجَذَعُ مِنَ الضَّأْنِ مَا تَمَّتْ لَهُ سِنَةٌ أَشْهُرٍ عِنْدَ الْفُقَهَاءِ.

(البحر الرائق: ۲۰۲/۸، کتاب الأضحیة)

ترجمه: حضرات فقهاء رضی الله عنہم گفته اند: این زمانی است که بز شش ماهه اگر با یک ساله ها همراه شود، مشابه یک ساله ها باشد. «جذع» آن است که شش ماه کامل داشته باشد

(۶) - تعداد شرکاء:

حیوان قربانی اگر شتر، گاو یا گاو میش باشد، هفت نفر می توانند در آن شریک شوند.

دلیل (۱):

عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَهْلَيْنِ بِالْحَجِّ: «فَأَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ نَشْتَرِكَ فِي الْإِبِلِ وَالْبَقَرِ، كُلُّ سَبْعَةٍ مَنَا فِي بَدَنَةٍ».

(صحیح مسلم: ۱/۴۲۴، باب جواز الإشتراك الخ)

ترجمه: از حضرت جابر رضی الله عنہ منقول است که ایشان فرمودند: ما با رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که برای حج احرام بسته بودیم [از مدینه] خارج شدیم، آنحضرت صلی الله علیه و آله به ما دستور دادند که هر هفت نفر از ما در یک شتر و گاو شریک شوند.

دلیل (۲):

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: نَحَرْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ - ﷺ - عَامَ الْحُدَيْبِيَّةِ الْبَدَنَةَ عَنْ سَبْعَةٍ، وَالْبَقَرَةَ عَنْ سَبْعَةٍ.

(صحیح مسلم: ۱/۴۲۴، باب جواز الإشتراك الخ)

ترجمه: از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که در سال حدیبیه با آنحضرت صلی الله علیه و آله قربانی نمودیم، چنان که هر کدام از شتر و گاو را از جانب هفت نفر قربانی کردیم.

برخی می گویند: دریک شتر ده نفر می توانند شریک شوند. آنان می گویند: از ابن عباس رضی الله عنه روایت است در سفری با آنحضرت صلی الله علیه و آله بودیم که عیدالأضحی فرارسید، در هر گاو هفت نفر و در هر شتر ده نفر شریک شدیم.

(سنن الترمذی: ۱/۲۷۶، باب ما جاء أنَّ الشَّاةَ الواحدةَ تجزى عن أهل البيت)

در جواب عرض می شود که:

۱- برای روایت عمل نمی شود بلکه عمل بر روایت حضرت جابر رضی الله عنه می باشد که در آن مشارکت هفت نفر دریک گاو مذکور است. از این رو عمل حضرات صحابه رضی الله عنهم نیز بر حدیثی است که شرکت هفت نفر آمده، امام ترمذی بعد از نقل روایت حضرت جابر رضی الله عنه می فرماید:

وَالْعَمَلُ عَلَى هَذَا عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَغَيْرِهِمْ.

(سنن الترمذی: ۱/۲۷۶، باب ما جاء أنَّ الشَّاةَ الواحدةَ تجزى عن أهل البيت)

ترجمه: اهل علم از صحابه و غیره بر همین عمل نموده اند.

وضابطه این است که:

إِذَا تَنَازَعَ الْخَبْرَانِ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله نَظَرَ إِلَى مَا عَمِلَ بِهِ أَصْحَابُهُ مِنْ

بعده.

(سنن ابی داود: باب لحم الصيد للمحرم، باب من لا یقطع الصلاة شیء)

ترجمه: چون دو حدیث رسول خدا ﷺ با هم اختلاف داشته باشند، روایتی که صحابه بر آن عمل نموده اند، گرفته می شود.

۲- از روش محدثین کرام رضی الله عنهم نیز معلوم می شود که حدیث ابن عباس رضی الله عنهما منسوخ و حدیث حضرت جابر رضی الله عنه ناسخ است، حضرت امام نووی رحمته الله در شرح مسلم، تحت باب الوضوء مما مسّت النار می فرماید:

وَهَذِهِ عَادَةُ مُسْلِمٍ وَغَيْرِهِ مِنْ أئِمَّةِ الْحَدِيثِ يَذْكُرُونَ الْأَحَادِيثَ الَّتِي يَرُونَهَا مَنْسُوخَةً ثُمَّ يُعَقِّبُونَهَا بِالنَّاسِخِ.

(شرح النووی علی صحیح مسلم: ۱/۱۵۶، باب الوضوء مما مسّت النار)

ترجمه: این عادت امام مسلم و محدثین دیگر رضی الله عنهم است که نخست احادیثی را می آورند که آن ها را منسوخ می دانند سپس احادیث ناسخ را به دنبال آن ها می آورند.

طبق این اصل، امام ترمذی نخست حدیث ابن عباس رضی الله عنهما و سپس حدیث حضرت جابر رضی الله عنه را آورده است.

۳- حدیث حضرت جابر رضی الله عنه قولی و حدیث حضرت ابن عباس رضی الله عنهما فعلی است، حدیث قولی بر حدیث فعلی ترجیح دارد، [اضافه بر آن] در این مسأله یک فقط حدیثی فعلی و طرف دیگر حدیث قولی و فعلی است.

واگر جانور قربانی بزی یا گوسفند باشد، صرفاً برای یک نفر کفایت می کند. دلایل این مدعا به شرح زیر است:

۱- از ابن عباس رضی الله عنه روایت است:

أَنَّ النَّبِيَّ - ﷺ - أَنَّهُ رَجُلٌ فَقَالَ: إِنَّ عَلَيَّ بَدَنَةً، وَأَنَا مُوسِرٌ بِهَا، وَلَا أَجِدُهَا فَأَشْتَرِيهَا، فَأَمَرَهُ النَّبِيُّ - ﷺ - أَنْ يَتَّاعَ سَبْعَ شِيَاهٍ فَيَذُبُحَهُنَّ.

(سنن ابن ماجه: ص ۲۲۶، كتاب الأضاحي، باب كم يجزى من الغنم

عن البدنة)

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که شخصی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: بر من یک بدنه ای (حیوان بزرگی مانند گاو یا شتر) واجب است و من توانایی آن را [نیز] دارم ولی آن را نمی یابم که بخرم (لذا چه کار کنم؟) آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: هفت گوسفند بخر و آن ها را ذبح کن.

در این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله هفت گوسفند را برابر با یک حیوان بزرگ قرار دادند، و در قربانی بدنه [گاو یا شتر] فقط هفت نفر می توانند شریک شوند نه بیش از آن، [لذا] معلوم شد که یک گوسفند یا بز برای بیش تر از یک نفر جایز نیست.

۲- حضرت ابن عمر رضی الله عنهما می فرمود: الشَّاةُ عَنْ وَاحِدٍ. یعنی؛ یک

گوسفند برای یک شخص است.

(اعلاء السنن: ۱/۲۱۰، باب أَنَّ الْبَدَنَةَ عَنْ سَبْعٍ)

بعضی از مردم می گویند: در یک گوسفند همه ی خانواده می توانند شریک شوند. ایشان می گویند: ابویوب انصاری رضی الله عنه می فرمود: یک شخص از جانب خود و خانواده اش یک گوسفند ذبح می کرد و سپس همه ی خانواده آن را می خوردند.

(جامع الترمذی: ۲۷۲/۱، باب ما جاء أنَّ الشَّاةَ تجزى عن أهل البيت)

در پاسخ عرض می شود که:

معنی روایت ابویوب انصاری رضی الله عنه این است که تمام افراد خانواده در ثواب شریک می شدند، ورنه یک گوسفند صرفاً برای یک نفر کفایت می کند همانطور که در گذشته با دلایل ثابت گردید.

شریک شدن در ثواب مثل این است که رسول الله صلی الله علیه و آله بزی را ذبح نموده فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَنِّي وَ عَمَّنْ لَمْ يُضَحَّ مِنْ أُمَّتِي». (مسندالامام احمد بن حنبل: شماره حدیث: ۱۴۸۹۳، سنن أبی داود: باب فی الشَّاةِ يُضَحِّي بِهَا عَنْ جَمَاعَةٍ)

ترجمه: ای الله! این از جانب من و هر فردی از امت من است که قربانی نکرده است.

در این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله امت خود را در ثواب قربانی سهیم نمود، همچنین در روایت ابویوب انصاری رضی الله عنه نیز مشارکت در ثواب مراد است.

۷- روز قربانی:

روزهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ ذی الحجه، ایام قربانی هستند.

دلیل اول:

ارشاد خداوند متعال است:

لِيَشْهَلُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ . [الحج: ۲۸]

ترجمه: تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی (برجانوران زبان بسته ای که خدا روزی شان کرده است) یاد کنند.

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمودند: **فالمعلومات يوم النحر ويومان**

بعده. (تفسیر ابن ابی حاتم الرازی: ۲۶۱/۶)

ترجمه: مراد از «ایام معلومات» **يوم النحر** (دهم ذی الحجه) و دو

روز بعد از آن است.

دلیل دوم:

عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: مَنْ

صَحَّى مِنْكُمْ فَلَا يُصْبِحَنَّ بَعْدَ ثَالِثَةِ وَفِي بَيْتِهِ مِنْهُ شَيْءٌ.

(صحيح البخارى: ۸۳۵/۲، باب ما يؤكل من لحوم الأضاحي)

ترجمه: از حضرت سلمه بن اکوع رضی الله عنه روایت است که رسول

خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که از شما قربانی نماید نباید بعد از روز سوم

چیزی از گوشت قربانی در خانه اش مانده باشد.

از این حدیث معلوم شد که ایام قربانی، سه روز اند؛ زیرا وقتی بعد از روز سوم اجازه ی نگهداری گوشت قربانی نیست چگونه اجازه ذبح جانور خواهد بود؟

فایده: ممانعت از نگهداری گوشت قربانی بیش از سه روز در ابتدای اسلام بود، بعداً اجازه داده شد که بیش تر از آن گوشت قربانی نگهداری شود. (مستدرک حاکم: ۲۵۹/۴)

از این سخن نباید فهمید که «وقتی بیش از سه روز می توان گوشت قربانی را نگهداشت، می توان بعد از روز سوم قربانی نیز نمود»؛ زیرا گوشت را می توان تمام سال نگهداشت، پس آیا می توان گفت که قربانی تمام سال جایز است؟ هرگز، اجازه قربانی بعد از سه روز نه در گذشته بوده و نه حالا.

دلیل سوم:

از حضرت علی رضی الله عنه نیز منقول است که ایام قربانی فقط سه روز است. (مؤطا امام مالک: ص ۴۹۷، کتاب الضحایا)

دلیل چهارم:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ: النَّحْرُ يَوْمَانِ بَعْدَ يَوْمِ النَّحْرِ وَ أَفْضَلُهَا يَوْمُ النَّحْرِ.
(احکام القرآن للطحاوی: ۲/۲۰۵)

ترجمه: حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنه فرمودند: ایام قربانی دهم ذی الحجه و دو روز بعد از آن است، البته قربانی روز نحر (دهم ذی الحجه) افضل است.

بعضی از مردم می گویند: تا چهار روز می توان قربانی نمود. دلیل ایشان این است که از حضرت جیبر بن مطعم رضی الله عنه مروی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همه ی ایام تشریق ، ایام ذبح هستند.

(السنن الکبری: باب من قال الأضحی جائز یوم النحر: حدیث شماره:

(۱۹۷۱۷)

ایشان می گویند: ایام تشریق تا سیزده ذی الحجه که روز چهارم عید است ادامه دارد، لذا روز چهارم نیز می توان قربانی نمود.

[در جواب] عرض می شود که:

۱- در سند این روایت یک راوی به نام « معاویه بن یحیی الصدفی » موجود است که محدثین او را ضعیف ، لیس بالقوی (در حدیث قوی نیست)، لاشیء (بی حیثیت) قرار داده اند.

(الجرح والتعديل: ۳۸۴/۸، الکاشف: ۲۷۷/۲)

۲- امام ابن ابی حاتم الرازی رحمته الله طریق زیر را برای این حدیث

ذکر نموده است:

« معاویه بن یحیی الصدفی عن الزهري عن سعيد بن المسيّب عن ابی سعید الخدری » و [سپس] فیصله ی پدر خویش ابو حاتم رازی را نقل نموده که فرمودند: هَذَا الْحَدِيثُ كَذِبٌ بِهَذَا الْإِسْنَادِ. یعنی؛ این حدیث با این سند دروغ است.

(العلل لابن ابی حاتم الرازی: ۲۵۲/۳)

و در جای دیگر اینگونه نقل نموده که « هَذَا حَدِيثٌ مُوَضَّعٌ » یعنی؛ این حدیث موضوع است.

(العلل لابن ابی حاتم الرازی: ۴/۴۹۳)

۳- اگر بر اساس این حدیث سیزده ذی الحجه از ایام قربانی قرار گیرد باید نهم ذی الحجه نیز جزو ایام قربانی باشد؛ زیرا ایام تشریق از نهم ذی الحجه شروع می شود. حالانکه نهم ذی الحجه جزو ایام قربانی شمرده نمی شود، لذا معلوم شد که عمل بر این حدیث ممکن نیست.

۸- وقت قربانی:

وقت قربانی برای اهل شهر بعد از نماز عید و برای روستائیان که نماز جمعه بر آن ها فرض نیست از صبح صادق شروع می شود، ولی بهتر این است که بعد از طلوع خورشید [قربانی خود را] ذبح کنند. (فتاوی قاضی خان، فتاوی شامی)

چنان که از حضرت براء بن عازب رضی الله عنه روایت است که:

سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَخْطُبُ، فَقَالَ: «إِنَّ أَوَّلَ مَا نَبْدَأُ بِهِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا أَنْ نُصَلِّيَ، ثُمَّ نَرْجِعَ فَنُحَرَّ، فَمَنْ فَعَلَ هَذَا فَقَدْ أَصَابَ سُنَّتَنَا، وَمَنْ نَحَرَ فَإِنَّمَا هُوَ لَحْمٌ يُقَدَّمُهُ لِأَهْلِهِ، لَيْسَ مِنَ النَّسْكِ فِي شَيْءٍ».

(صحيح البخارى: ۲/۸۳۴، كتاب الأضاحى، باب الذبح بعد الصلوة)

ترجمه: من از رسول خدا ﷺ در حالی که سخنرانی می نمود شنیدم که فرمود: نخستین عملی که در روز عید انجام می دهیم نماز

عید است سپس بر می‌گردیم و قربانی‌های خود را نحر [ذبح] می‌کنیم، هر که چنین کرد یعنی؛ بعد از نماز عید قربانی کرد، او مطابق روش ما به درستی عمل نموده است و هر که [قبل از نماز] قربانی کرد، صرفاً این گوشتی است که به خانواده اش تقدیم نموده و هیچ ربطی به قربانی ندارد.

از این حدیث معلوم شد که پیامبر ﷺ از ذبح قربانی قبل از نماز عید منع نموده است، اما در روستاها چون نماز عیدی وجود ندارد، در آنجا چون این شرط و حکم نیست. در آنجا آغاز وقت قربانی که همان طلوع صبح صادق است کفایت می‌کند.

۹- مسايل عمومي:

۱- قربانی نمودن جانور خصی جایز بلکه افضل است.

(سنن ابی داود: ۳۸۶/۲، باب ما یستحبُّ من الصّحایا)

۲- اگر شخصی به نیت عقیقه در قربانی شریک شود جایز است.

(فتاوی علمگیریه: ۳۷۵/۵)

۳- جانور لنگی که به وقت راه رفتن اصلاً نتواند پا بر زمین نهد

برای قربانی روا نیست، البته اگر هنگام رفتن می‌تواند از پای لنگش نیز

قدری کمک بگیرد قربانی نمودنش جایز است.

(سنن ابی داود: ۳۸۷/۲، رد المحتار: ۵۳۶/۹، کتاب الأضحیّة)

۴- اگر بیش تر دندان‌های جانور افتاده باشد به نحوی که نتواند علف بخورد، قربانی نمودن آن جایز نیست، همان‌اگر می‌تواند علف بخورد قربانی‌اش جایز است.

(رد المحتار: ۵۳۷/۹، کتاب الأضحیّة)

۵- جانوری که به‌طور مادرزاد فاقد یک یا هر دو گوش باشد، و یا یک سوم گوشش یا بیشتر از آن، قطع شده باشد، قربانی‌اش جایز نیست.

(جامع الترمذی: ۲۷۵/۱، باب الأضاحی، رد المحتار: ۵۳۷/۹، کتاب

الأضحیّة)

۶- اگر شاخ جانوری از بیخ کنده شده باشد، قربانی کردن آن جایز نیست، اما اگر از بیخ نشکسته است قربانی‌اش جایز می‌باشد.

(سنن الطحاوی: ۲۷۱/۲، باب العیوب الّتی لایجوز الهدایا أو الضّحایا، رد

المختار: ۵۳۵/۹، کتاب الأضحیّة)

۷- اگر کمتر از یک سوّم دم حیوانی قطع شده باشد، قربانی نمودن آن رواست، اما اگر یک سوّم یا بیش از آن قطع شده قربانی کردنش، روا نیست.

(اعلاء السنن: ۲۳۷/۱۷، فتاوی علمگیریّه: ۳۶۸/۵)

۸- اگر از چهارپستان گاو و گاو میش یکی خراب باشد و باقی

سالم، قربانی نمودن آن جایز است و اگر دو تا از پستان‌هایش خراب

باشد برای قربانی نارواست. همچنین اگر یک پستان گوسفند و... خراب باشد قربانی اش جایز نیست.

(المعجم الأوسط: ۲/۳۷۴، شماره: ۳۵۷۸، فتاوی علمگیریه: ۵/۶۸۳)

۹- اگر جانوری نابینا، یا یک چشم باشد و یا یک سوّم بینایی یک چشمش و یا بیشتر از آن را نداشته باشد، قربانی نمودن آن جایز نیست. و اگر کمتر از یک سوم است جایز است.

(فتاوی علمگیریه: ۵/۳۶۸)

۱۰- ذبح کننده باید مسلمان باشد لذا ذبیحه‌ی مشرک، مجوسی، بت پرست و مرتد حرام است.

(بدائع الصنائع: ۴/۱۶۴)

[حکم گوشت و پوست قربانی:]

۱۱- افضل این است که گوشت قربانی به سه حصّه تقسیم شود: حصّه‌ای برای اهل خانه، حصّه‌ای برای خویشاوندان، و دوست و احباب و حصّه‌ی سوّم برای فقراء و مساکین باشد، آری اگر عائله‌ی کسی زیاد است می تواند تمام گوشت را برای خود نگهدارد.

(فتاوی علمگیریه: ۵/۳۷۰. ۳۷۱)

[۱۲]- اگر چند نفر در یک حیوان شریک شده‌اند، گوشت بر

اساس وزن بین آن‌ها تقسیم شود، تقسیم از روی تخمین جایز نیست.

(البحر الرائق: ۸/۱۹۸)

[۱۳]- فروختن گوشت قربانی و یا به طور مزد آن را به کسی دادن

جایز نیست.

(بدائع الصنائع: ۲۲۵/۴)

۱۴- پوست قربانی را می‌توان به استعمال خود در آورد مثلاً می‌توان از آن، جاماز، مشکیزه، و غیره ساخت، البته فروختن آن و استفاده از قیمتش جایز نیست، بلکه دادن قیمت آن به فقرا واجب است.

(فتاوی علمگیریه: ۳۷۲/۳)

۱۵- همچنین نمی‌توان قیمت پوست را برای تعمیر مسجد، یا ادارات رفاهی داد؛ زیرا ضروری است به تملیک فقراء و مساکین درآید، لذا بهتر این است پوست قربانی به طلاب مدارس و حوزه‌های علمیه داده شود که هم ثواب کمک به طلاب دران وجود دارد و هم سبب احیای علم دین است.

تکبیرات عیدین

نماز عید الفطر و عید الأضحی دو رکعت است که با شش تکبیر زواید ادا کرده می‌شود. در رکعت اول پس از ثناء و پیش از قرائت سه تکبیر، و در رکعت دوم پس از قرائت سه تکبیر زائده را گفته و با تکبیر چهارم به رکوع رود.

چون تکبیرات زواید رکعت اولی بعد از تکبیر تحریمه و متصلاً بعد از ثناء و تکبیرات رکعت دوم متصل با تکبیر رکوع گفته می‌شود، از این رو تکبیرات رکعت اول با تکبیر تحریمه و تکبیرات رکعت دوم به همراه تکبیر رکوع چهار چهار می‌شود. گویا در هر رکعت چهار تکبیر وجود دارد.

در بعض روایات، مجموعه‌ی تکبیر تحریمه، سه تکبیر زائده و تکبیر رکوع رکعت اول پنج تکبیر، و سه تکبیر زائده‌ی رکعت دوم با تکبیر رکوع چهار تکبیر گفته شده و مجموع تکبیرات دو رکعت نه شمرده شده‌اند، ولی بهر حال تکبیرات زواید فقط شش هستند.

— عن الْقَاسِمِ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ حَدَّثَهُ ، قَالَ : حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : صَلَّى بِنَا ، النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ عِيدٍ ، فَكَبَّرَ أَرْبَعًا ، وَأَرْبَعًا ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بَوَّجِهِهِ حِينَ أَنْصَرَفَ ، قَالَ : «لَا تَنْسُوا ، كَتَكْبِيرِ الْجَنَائِزِ ، وَأَشَارَ بِأَصَابِعِهِ ، وَقَبَضَ إِيَّاهُمَا» .

(شرح معانی الآثار: ۲/۳۷۱، باب صلوة العیدین کیف التکبیر فیها؟)

ترجمه: ابو عبدالرحمن قاسم می گوید: یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ برای من بیان کرد و گفت: پیامبر ﷺ نماز عید را با ما ادا نموده چهار چهار تکبیر گفتند، هنگامی که از نماز فارغ شد به سوی ما متوجه شده فرمود: فراموش نکنید، تکبیرات عید مانند نماز جنازه چهار است، آنحضرت ﷺ با انگشتان خویش اشاره وانگشت ابهامش را جمع نمود.

۲— عن مكحول، قال: أخبرني أبو عائشة - جليسٌ لأبي هريرة - أن سعيدَ بنَ العاصِ سألَ أبا موسى الأشعريَّ وحذيفةَ بنَ اليمانِ كيفَ كانَ رسولُ اللهِ - صَلَّى اللهُ عليه وسلم - يكبرُ في الأضحى والفطر؟ فقال أبو موسى: كانَ يُكبرُ أربعاً تكبيره على الجنائزِ، فقال حذيفةُ: صدقَ، فقال أبو موسى: كذلكَ كنتُ أُكبرُ في البصرة حيثُ كنتُ عليهم.

(سنن ابی داود: ۱/۱۷۰، باب التکبیر فی العیدین، السنن

الکبری للبيهقي: ۳/۲۸۹)

ترجمه: حضرت مکحول ﷺ می گوید: ابو عائشه یکی از همیشنان ابوهریره ﷺ مرا خبر داد که سعید بن العاص ﷺ از ابو موسی اشعری و حذیفه بن الیمان ﷺ پرسید: رسول خدا ﷺ در عید الأضحی و فطر چند تکبیر می گفت؟ حضرت ابو موسی اشعری ﷺ فرمودند: مانند تکبیرات نماز جنازه چهار تکبیر می گفت. حضرت حذیفه ﷺ فرمود: او راست

می گوید. ابوموسی گفت: من زمانی که استاندار بصره بودم نیز اینگونه تکبیر می گفتم.

۳ — عَنْ عَلْقَمَةَ، وَالْأَسْوَدِ بْنِ يَزِيدَ، قَالَا: كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ جَالِسًا، وَعِنْدَهُ حُدَيْفَةُ، وَأَبُو مُوسَى، فَسَأَلَهُمْ سَعِيدُ بْنُ الْعَاصِ عَنِ التَّكْبِيرِ فِي الصَّلَاةِ يَوْمَ الْفِطْرِ، وَالْأَضْحَى فَجَعَلَ هَذَا يَقُولُ: سَلْ هَذَا، وَهَذَا يَقُولُ: سَلْ هَذَا، حَتَّى قَالَ لَهُ حُدَيْفَةُ: سَلْ هَذَا - لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - فَسَأَلَهُ فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: «يُكَبِّرُ أَرْبَعًا، ثُمَّ يَقْرَأُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ، فَيَرْكَعُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ فِي الثَّانِيَةِ فَيَقْرَأُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا بَعْدَ الْقِرَاءَةِ».

(المعجم الكبير للطبرانی: ۴/۵۹۳، شماره: ۹۴۰۲، مصنف

عبدالرزاق: ۳/۱۶۷، شماره: ۵۷۰۴)

ترجمه: علقمه و اسود بن یزید می گویند: باری حضرت

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه به همراه حذیفه بن الیمان و ابوموسی

اشعری رضی الله عنه نشستند بودند که حضرت سعید بن العاص رضی الله عنه از

آن ها در مورد تکبیرات عید الأضحی و عید الفطر سؤال نمود.

حضرت حذیفه رضی الله عنه گفت: از او (یعنی؛ ابوموسی رضی الله عنه) پرسید و

حضرت ابوموسی رضی الله عنه گفت: از او (یعنی؛ حذیفه رضی الله عنه) پرسید،

آنگاه حضرت حذیفه رضی الله عنه گفت: این مسأله را از ابن

مسعود رضی الله عنه سؤال کنید، چنان که ایشان پرسیدند و ابن

مسعود رضی الله عنه فرمود: نماز گزار چهار تکبیر (تکبیر تحریمه و سه

تکبیر زایده) گفته سپس قرائت نموده و تکبیر گفته و به رکوع برود، و در رکعت دوم تکبیر گفته سپس قرائت بخواند و بعد از آن چهار تکبیر بگوید (سه تکبیر زایده و یک تکبیر رکوع).

۴— عَنْ كُرْدُوسٍ، قَالَ: أُرْسِلَ الْوَلِيدُ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، وَحَدِيثَهُ، وَأَبِي مَسْعُودٍ، وَأَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ بَعْدَ الْعَتَمَةِ فَقَالَ: إِنَّ هَذَا عِيدُ الْمُسْلِمِينَ فَكَيْفَ الصَّلَاةُ؟ فَقَالُوا: سَلْ أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ: «يَقُومُ فَيُكَبِّرُ أَرْبَعًا، ثُمَّ يَقْرَأُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَسُورَةَ مِنَ الْمَفْصَلِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ، وَيَرْكَعُ فِتْلِكَ خَمْسًا، ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَسُورَةَ مِنَ الْمَفْصَلِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا يَرْكَعُ فِي آخِرِهِنَّ فِتْلِكَ تِسْعًا فِي الْعِيدَيْنِ»، فَمَا أَنْكَرَهُ وَاحِدٌ مِنْهُمْ.

(المعجم الكبير للطبرانی: ۴/۳۹۲، ۳۹۳ شماره: ۹۴۰۰)

ترجمه: از حضرت کردوس رضی الله عنه روایت است که ولید بن عقبه رضی الله عنه پس از گذشت یک سوّم شب، نزد عبد الله بن مسعود، حدیفته، ابومسعود و ابوموسی اشعری رضی الله عنهم پیام فرستاد که این عید مسلمانان است روش نماز عید چگونه می باشد؟ همه گفتند: از ابو عبد الرحمن یعنی؛ عبد الله بن مسعود رضی الله عنه پرسید، چنان که قاصد از ایشان سؤال نمود، او فرمود: بایستد و چهار تکبیر گوید (یک تکبیر تحریمه و سه تکبیر زایده) سپس سوره فاتحه و یکی از مفاصل را قرائت کند، پس از آن تکبیر گفته و به رکوع رود. این ها پنج

تکبیر شد، باز (برای رکعت دوم) برخیزد سوره فاتحه و یکی از مفصلات را بخواند، آنگاه چهار تکبیر گفته و با تکبیر چهارم به رکوع رود، این‌ها نه تکبیر عید الأضحی و عید الفطر هستند. هیچ کس از حاضران براو نکیر نکرد. [لذا این تایید قوی است از سوی حاضران جلسه که همین روش درست است].

۵- در عصر خلافت فاروق اعظم رضی الله عنه بر چهار بودن تکبیرات نماز جنازه اتفاق شد. الفاظ حدیث به قرار ذیل است:

فَأَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ عَلَى أَنْ يَجْعَلُوا التَّكْبِيرَ عَلَى الْجَنَائِزِ ، مِثْلَ التَّكْبِيرِ فِي الْأَضْحَى وَالْفِطْرِ ، أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ .

(شرح معانی الآثار: ۱/۳۱۹، باب التکبیر علی الجنائز کم هو؟)

ترجمه: آنان بر این امر اتفاق نمودند که تکبیرات جنازه را مانند تکبیرات عید الأضحی و فطر چهار قرار دهند.

ع- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ ، « فِي الْأُولَى خَمْسَ تَكْبِيرَاتٍ بِتَكْبِيرَةِ الرَّكْعَةِ وَبِتَكْبِيرَةِ الْإِسْتِفْتَا حِ ، وَفِي الرَّكْعَةِ الْأُخْرَى أَرْبَعَةً بِتَكْبِيرَةِ الرَّكْعَةِ » .

(مصنف عبدالرزاق: ۳/۱۶۶، حدیث شماره: ۵۷۰۲، باب

التکبیر فی صلاة العید)

ترجمه: ابن مسعود رضی الله عنه می فرماید: در رکعت اول به همراه تکبیر تحریمه و تکبیر رکوع پنج تکبیر، و در رکعت

دوّم همراه تکبیر رکوع چهار تکبیر می شود. [خلاصه این که در هر رکعت تکبیرات زواید سه هستند]

۷_ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ، «أَنَّهُ صَلَّى خَلْفَ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فِي الْعِيدِ ، فَكَبَّرَ أَرْبَعًا ، ثُمَّ قَرَأَ ، ثُمَّ كَبَّرَ فَرَفَعَ ، ثُمَّ قَامَ فِي الثَّانِيَةِ فَقَرَأَ ، ثُمَّ كَبَّرَ ثَلَاثًا ، ثُمَّ كَبَّرَ فَرَفَعَ».

(سنن الطحاوی: ۳۷۲/۲، باب التکبیر علی الجنائز کم هو؟)

ترجمه: حضرت عبدالله بن حارث رضی الله عنه نماز عید را پشت سر عبدالله بن عباس رضی الله عنه ادا نمود، حضرت عبدالله رضی الله عنه نخست چهار تکبیر گفت و سپس قرائت نمود و باز تکبیر گفته به رکوع رفت، و هنگامی که برای رکعت دوّم برخاست، نخست قرائت نمود و بعداً چهار تکبیر گفته و با تکبیر چهارم رکوع نمود.

ثبوت رفع یدین در تکبیرات عیدین

در تکبیرات نماز عیدین به دلایل زیر رفع یدین کرده می‌شود:

دلیل اول:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ قَالَ: " تُرْفَعُ الْأَيْدِي فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ: فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ ، وَفِي التَّكْبِيرِ لِلْقُنُوتِ فِي الْوُتْرِ ، وَفِي الْعِيدَيْنِ ، وَعِنْدَ اسْتِئْثَامِ الْحَجَرِ ، وَعَلَى الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ، وَبِجُمُعِ وَعَرَفَاتٍ ، وَعِنْدَ الْمَقَامَيْنِ عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ . "

(سنن الطحاوی: ۴۱۷/۱، باب رفع الیدین عند رؤیة البیت)

ترجمه: تابعی جلیل القدر حضرت ابراهیم نخعی رحمته الله

می‌فرماید: در هفت محل رفع یدین کرده می‌شود:

- ۱- در شروع نماز؛
- ۲- در وقت قنوت وتر؛
- ۳- در نماز عیدین؛
- ۴- به وقت استلام حجر اسود؛
- ۵- بر صفا و مروه؛
- ۶- در مزدلفه و عرفات؛
- ۷- به وقت توقف نزد جمرات؛

دلیل دوم:

وَاتَّفَقُوا عَلَى رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرَاتِ .

(مرقاة المفاتیح لعلى القارى: ۴۹۵/۳، باب صلاة العیدین)

ترجمه: فقهاء بر رفع یدین در تکبیرات عیدین متفق اند.

دلیل سوم:

وَأَتَّفَقُوا عَلَى رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرَاتِ.

(رحمة الأمة في إختلاف الأئمة: ص ۶۳)

ترجمه: فقهاء بر رفع یدین در تکبیرات عیدین متفق اند.

دلیل چهارم:

وَأَجْمَعُوا عَلَى أَنَّهُ يُرْفَعُ الْأَيْدِي فِي تَكْبِيرِ الْقُنُوتِ وَ تَكْبِيرَاتِ الْعِيدَيْنِ.

(بدائع الصنائع للكاساني: ۱ / ۴۸۴، رفع اليدين في الصلوة)

ترجمه: فقهاء کرام عليهم السلام بر این اجماع نموده اند که دست‌ها در

تکبیر قنوت و تکبیرات عیدین بر داشته می شوند.

تذکر:

در عموم نمازها فقط در ابتدای نماز دست‌ها برداشته می شوند

و در جایی دیگر رفع یدین نمی شود. برای دلایل این مدعا،

پوستر مرتبتهی ما «دلایل عدم رفع یدین» را ملاحظه فرمایند.

در عموم نمازها بنابر دلایل عامه دست‌ها برداشته نمی شود، ولی

چون نماز وتر و عیدین نمازهای خاص هستند بنابر دلایل خصوصی

در آن‌ها رفع یدین کرده می شود. والله اعلم بالصواب

الحمد لله از ترجمه ی این رساله بعد از نماز عشاء شب سه شنبه
هشتم ذی الحجّه ۱۴۳۶ هجری قمری برابر با ۳۱ شهریور ۱۳۹۴
هجری شمسی فراغت یافتم.

محمد روشندل و رکاتی
مدرس جامعه الحرمین الشریفین چابهار